**در باره اعدام "سلطان سکه"!**

**حسن صالحی**

وحید مظلومین ملقب به "سلطان سکه" بهمراه محمد اسماعیل قاسمی بجرم "مفاسد اقتصادی" صبح چهارشنبه، ٢٣ آبان (١٤ نوامبر) اعدام شدند.طبعا برای انسانهایی که مخالف اعدام هستند اعدام هر کسی و به هر دلیلی یک عمل ضد انسانی است که باید بدون هیچ شک و تردیدی محکوم شود.

اما اعدام مظلومین و قاسمی مثل هر اعدام دیگری نبود. بلکه ویژگی هایی دارد که باید به آن پرداخت. اتهام این دو "افساد فی‌الارض از طریق تشکیل شبکه فساد اخلال در نظام اقتصادی و ارزی و پولی کشور با انجام معاملات غیرقانونی و غیرمجاز و قاچاق عمده و کلان ارز و سکه" اعلام شده است.

وحید مظلومین زمانی که معتمد بانک مرکزی بود و دلارهای بانک مرکزی را در بازار به فروش می رساند از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به دلیل همین جرایم در سال ۹۱ البته دستگیر ولی نهایتا تبرئه شد. اما اینبار ظاهرا پشتش خالی بود و جمهوری اسلامی تصمیم گرفته بود چند نفری را برای بی تقصیر جلو داده نقش خود در ایجاد اوضاع فلاکتبار اقتصادی قربانی کند.

بسیاری می دانند که مشکل اقتصاد داغان و ورشکسته جمهوری اسلامی نه "مفسدان اقتصادی"، آنطور که در مورد مظلومین و قاسمی اعلام شده، بلکه خود نظامی است که اصولا بر پایه دزدی، اختلاس و ارتشاء و بازار قاچاق و بازار سیاه و کلا فساد بنا شده است. نظامی که در یک طرف یک اقلیت مفتخور مالتی میلیاردر را بوجود آورده است و از سوی دیگر کارگران و توده مردم را بزیر خط فقر رانده است. امثال مظلومین ها و بابک زنجانی ها در این نظام براحتی می توانند ثروتهای نجومی باد آورده به جیب بزنند و هیچ نوع محدویت قانونی هم ندارند. یک ویژگی نظام اقتصادی حاکم بر ایران رانت خواری است. یعنی اینکه بدلیل داشتن مناصب دولتی و یا روابط نزدیک با مقامات و مسئولین نظام از امیتازات ویژه ای برخوردار هستند و به این اعتبار براحتی بر منابع ثروت در جامعه چنگ می اندازند و صاحب آن می شوند. بر این اساس اقتصاد ایران تحت سلطه باندهائی قرار دارد که هر یک بدنبال تولید سود و ثروت و قدرت بیشتر برای دارو دسته خود هستند.

وحید مظلومین و شرکا نیز سرشان به یکی از همین باندها بند بوده است. شماری از بازاری ها گفته‌اند مظلومین با داشتن اطلاعات دست‌ اول از حلقه‌های تصمیم‌گیری، و دسترسی پیش‌نویس بخش‌نامه‌های ابلاغ‌ نشده، از دیگر بازیگران بازار جلوتر بوده است. یعنی این که او در این سیستم رانت خواری سبیل یک عده را چرب می کرده و سپس امکان می یافته یک شبه سودهای نجومی به جیب بزند.

با حذف فیزیکی مظلومین این مناسبات فاسد همچنان بر سر جای خود باقیست و تغییری در اقتصاد روی نداده است. حکومت دزد و چپاولگر جمهوری اسلامی دزد می زاید و مظلومین یکی از آنها بود و صدها مظلومین دیگر همین حالا در ارتباطی نزدیک با باندهای غارتگر حکومتی مشغول پارو کردن پول هستند.

درست در زمانی که دور دوم تحریم های آمریکا آغاز شده است و مردم عادی را به فقر و بدبختی بیشتر کشانده است آنها احتمالا بیش از قبل پول پارو میکنند. اعدام مظلومین هم یک تسویه حساب جناحی است و هم جمهوری اسلامی می خواهد خود را فریادرس مردم جا بزند. اما همه به ریشش می خندند. چرا که مردم به خوبی می دانند جمهوری اسلامی با باندهای مافیایی اش، با آیت الله های میلیاردرش و آقا زاده هایش و ملا خور کردن ثروت عمومی خود منشاء تمام فساد عظیم حاکم در جامعه است.

اعدام امثال مظلومین ها پاسخ اقتصاد ایران نیست بلکه تنها بر دلایل اصلی خرابی آن ها سرپوش می گذارد. واقعیت این است که رهائی از دیکتاتوری و سرکوب و شرایط مشقت بار تحمیل شده به کارگران و توده مردم رانده شده بزیر خط فقر مستلزم نه تنها سرنگونی رژیم اسلامیٍ بلکه خلع ید سیاسی و اقتصادی از کل طبقه سرمایه دار در ایران است. این جواب مسئله است و نه اعدام!